

مطالعه عوامل تعیین‌کننده‌ی همسان‌همسری سنی و تحصیلی زوجین (مطالعه موردی زوجین شهر یزد)*

سیده سمانه شفیعی ماسوله^۱

عباس عسکری ندوشن^۲

اکبر زارع شاه‌آبادی^۳

چکیده

هدف از این پژوهش، مطالعه عوامل تعیین‌کننده‌ی همسان‌همسری سنی و تحصیلی زوجین در شهر یزد است. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه انجام شده است. نمونه مورد مطالعه، زوجین شهر یزد می‌باشد که تعداد ۴۱۹ نفر از آنها از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای و سیستماتیک انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفتند. میانگین همسان‌همسری سنی از ۲۸، ۱۰/۱ و میانگین همسان‌همسری تحصیلی از ۱۱، ۸/۸ بوده است یعنی زوجین به سمت همسانی سنی و تحصیلی گرایش دارند. همچنین، بیشتر پاسخگویان، در صورتی که تحصیلات زن در سطوح تحصیلی پایین‌تر از متوسطه باشد، مناسب می‌دانند که تحصیلات مرد حداقل متوسطه باشد حال آنکه، برای زنان با تحصیلات دانشگاهی، بر این باورند که همسان‌همسری تحصیلی گزینه بهتری برای زوجین است. سایر یافته‌ها نشان داد، میزان همسان‌همسری سنی با سن ازدواج، درآمد خانواده و میزان استفاده از رسانه‌ها رابطه معکوس و با تحصیلات و منزلت شغلی خانواده رابطه مستقیم دارد. از طرفی میزان همسان‌همسری تحصیلی با تحصیلات رابطه مثبت و با سن ازدواج، درآمد و میزان استفاده از رسانه‌ها رابطه معکوس دارد. نتایج آزمون رگرسیونی نشان می‌دهد سن ازدواج و تحصیلات ۸۴ درصد تغییرات میزان همسان‌همسری سنی و تحصیلات به تنهایی ۴/۲ درصد تغییرات میزان همسان‌همسری تحصیلی را تبیین می‌نمایند.

کلید واژه: همسان‌همسری سنی، همسان‌همسری تحصیلی، سن ازدواج، ازدواج خویشاوند.

* تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۴/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۰

۱- گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، ایران samaneh.shafyii@gmail.com

۲- گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه یزد، ایران aaskarin@yazd.ac.ir

۳- گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه یزد، ایران a_zare@yazd.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسأله

در جریان تغییرات اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی تغییر می‌کنند. بنابراین شیوه‌های همسرگزینی هم تغییر کرده و همچنین انتظارات زن و شوهر از همدیگر و مناسبات بین آن‌ها را دگرگون می‌کند. تحلیل و تبیین روند تغییرات اتفاق افتاده در الگوهای انتخاب همسر در کانون توجه بخشی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه مطالعات خانواده بوده است (عسکری ندوشن و ترابی، ۱۳۹۰: ۲). درون همسری (یا ازدواج در درون گروه خود) و همسان‌همسری^۱ (ازدواج با افراد دارای ویژگی‌های مشابه) از جمله ابعاد مهم الگوهای انتخاب همسر است که منعکس‌کننده گرایش‌های فردی و اجتماعی رایج در بین گروه‌های اجتماعی مختلف نسبت به همسرگزینی بر پایه‌ی تعلقات گروهی و ویژگی‌های مشترک زوجین است. این ابعاد، نه تنها ترسیم‌کننده‌ی حد و مرزها و فاصله‌های موجود بین گروه‌های اجتماعی مختلف در جامعه است؛ بلکه روند تحولات آن‌ها، بازتاب‌دهنده‌ی پتانسیل موجود جامعه در جهت تغییرات اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی است (کالمین، ۱۹۹۸). صرف‌نظر از توجه به ملاک‌های گزینش همسر، به‌طور کلی انتخاب همسان به‌عنوان یک قاعده‌ی جهانی همسرگزینی، پذیرفته شده است. تشابه و همسانی همسران در مکان زندگی و تولد، طبقه‌ی اجتماعی، صفات اخلاقی و ویژگی‌های روان‌شناختی، مذهب و دین و سن و سال و تحصیلات مورد تأکید بیشتر محققان قرار گرفته است (نگاه کنید به: اسمیتز ۲۰۰۳؛ هاناکی و کورسو ۲۰۱۰؛ مس و دیگران ۲۰۱۱؛ استیو ۲۰۰۹). صاحب‌نظران بر این باورند که همسانی تحصیلی زوجین تمایزات اجتماعی و اقتصادی بین خانواده‌ها را افزایش داده و با انتقال بین نسلی موقعیت‌ها و منزلت اجتماعی، می‌تواند این نابرابری‌ها را به نسل‌های آینده (فرزندان) منتقل نماید (میر ۱۹۹۱، هان ۲۰۱۰).

همسان‌خواهی بیشتر نتیجه‌ی جریان‌های اجتماعی دیگر است؛ اول آنکه روابط مردم در گروه‌های کم‌و بیش همگن صورت می‌گیرد و دوم آنکه اشخاص در بازار همسریابی به دنبال کسانی می‌روند که در سطح خود آنان باشند و علت نخستین نمی‌گذارد مرد و زن جوانی که از لحاظ مشخصات تفاوت بسیار دارند با هم روبه‌رو شوند (مانند طبقه، مذهب، تحصیلات، نژاد و غیره). به‌علاوه اگر مرد جوانی علاقه‌ی زائد و بی‌جهتی به زنی که از لحاظ اجتماعی با او تفاوت فاحش دارد ابراز دارد، به احتمال بسیار از طرف خانواده و دوستانش سرزنش خواهد شد. دومین علتی که مطرح شد به همسان‌خواهی منتهی می‌شود (گود، ۱۳۵۲: ۱۰۸-۱۰۹). تشابه و همسانی همسران در مکان زندگی و تولد، طبقه‌ی اجتماعی، صفات اخلاقی و ویژگی‌های روان‌شناختی، مذهب و دین و سن و سال و تحصیلات مورد تأکید بیشتر محققان

قرار گرفته است (نگاه کنید به: اسمیتز^۱ ۲۰۰۳؛ هاناک و کورسو^۲ ۲۰۱۰؛ مس^۳ و دیگران ۲۰۱۱؛ استیو^۴ ۲۰۰۹).

علی‌رغم وجود پژوهش‌های متعدد در مورد روند و الگوهای همسان‌همسری در جوامع گوناگون، این موضوع تاکنون مورد توجه پژوهشگران ایرانی واقع نشده است. به منظور پرکردن خلاء پژوهشی موجود و با توجه به اهمیت مقوله‌ی همسان‌همسری و همچنین خصلت در حال گذار بودن جامعه‌ی شهری یزد، پژوهش حاضر در صدد است تا بدین سؤال اساسی پاسخ گوید که: عوامل تعیین‌کننده‌ی همسان‌همسری زوجین در شهر یزد کدامند؟ در راستای پاسخ به این پرسش، در کنار هدف کلی فوق، اهداف فرعی زیر پیگیری می‌گردد:

مطالعه‌ی میزان و سطح همسان‌همسری سنی^۵ و همسان‌همسری تحصیلی^۶ در شهر یزد. ۲- مطالعه‌ی تفاوت‌های اقتصادی-اجتماعی مرتبط با همسان‌همسری سنی و تحصیلی در بین گروه‌های مختلف اجتماعی. ۳- مطالعه‌ی برخی از عوامل اجتماعی مؤثر بر همسان‌همسری سنی و تحصیلی در شهر یزد.

۲- پیشینه تجربی پژوهش

- کوئیان^۷ تحقیقی در سال ۱۹۹۸ در آمریکا با عنوان «تغییرات همسان‌همسری در ازدواج در طول سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۰»، انجام داد. این تحقیق به بررسی تمایل به ازدواج با استفاده از تأثیر سن و دستیابی تحصیلی همسران پرداخته و نتایج نشان داد که:

در دوره ۱۹۸۰-۱۹۷۰ کاهش زیادی در تمایل برای ازدواج با تفاوت نسبتاً کم از نظر سنی و تحصیلی تجربه گردیده است. در دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۰ تنوع‌های بیشتری را با سن و تحصیل در تمایل به ازدواج نشان می‌دهد، که شامل کاهش‌هایی برای مردان و زنان زیر ۲۵ سال است و افزایش‌هایی برای مردان و زنان در سنین بالاتر و کاهش‌های بیشتری برای افراد دارای تحصیلات کم است. زنان با تحصیلات بالا، نسبت به زنان کمتر تحصیل کرده، گرایش بیشتری به ازدواج دارند. کاهش شدید میزان ازدواج جوانان، مردان و زنان با تحصیلات پایین، تمایل کمتری را در بازار ازدواج به علت محدودیت منابع اقتصادی ایشان نشان می‌دهد (ایمانی و اسکافی، ۱۳۸۵).

1. Smits
2. Hanaki & Kurosu
3. Maas
4. Esteve
5. Age Homogamy
6. Educational Homogamy
7. Qian, Z

- در مطالعه همسان‌همسری سنی در ایالات متحده آمریکا، اتکینسون و گلاس (۱۹۸۵) نشان دادند تفاوت بیشتر سن ازدواج زوجین (در هر دو جهت) با موقعیت اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر هماهنگ بوده‌است. تولد در خارج از کشور، تحصیلات کم، درآمد خانوادگی پایین، موقعیت شغلی پایین‌تر، عدم اشتغال زنان، تعلق به نژاد سیاه و تجربه ازدواج مجدد با تفاوت سنی بالاتر هماهنگ‌تر بوده‌است و روند تفاوت سنی زوجین در جهت کاهش آن بوده‌است و این کاهش با برابری جنسیتی بیشتر همبستگی داشته‌است. (محمودیان، ۱۳۸۳).

- عسکری ندوشن و ترابی (۱۳۹۰) مطالعه‌ای با عنوان «سطح، روند و الگوی همسان‌همسری تحصیلی در ایران» انجام دادند. برای این منظور، تغییرات در روند کلی همسان‌همسری تحصیلی و نیز الگوی خاص همسان‌همسری در هر یک از سطوح تحصیلی، برای زنان متولد در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۶۰ مورد بررسی قرار گرفته‌است. نتایج مبین آن است که برای متولدین یاد شده، متوسط سطح همسان‌همسری تحصیلی در ایران از حدود ۷۵ درصد به ۴۸ درصد تنزل یافته و در مقابل، نسبت زنانی که با شوهران دارای مدارک آموزشی پایین‌تر ازدواج کرده‌اند، از ۴ درصد به ۲۴ درصد افزایش یافته‌است. بر مبنای نتایج، چنین به نظر می‌رسد که همگام با کاهش همسان‌همسری تحصیلی، توزیع عدم سنخیت تحصیلی زوجین نیز از وضعیتی که در آن شوهران سطح تحصیلاتی بالاتر از زن داشته‌اند، به وضعیتی میل می‌کند که در آن سهم زنانی که تحصیلات بالاتر از شوهرانشان دارند، به تدریج رو به افزایش است. علاوه بر این، بررسی روند تغییرات همسان‌همسری به تفکیک هر یک از سطوح تحصیلی نشان می‌دهد که روندها به سمت همسان‌همسری بیشتر در سطوح میانی تحصیلی و در عوض کاهش این نسبت در دو انتهای بالایی و پایینی توزیع تحصیلات در ایران است.

۳- جمع‌بندی پیشینه تجربی تحقیق

نتایج تجربی بدست آمده از مطالعات پیشین تصاویر متفاوت و ناهمگونی را در ارتباط با روند زمانی تغییر در ابعاد همسان‌همسری زوجین در بین جوامع گوناگون منعکس کرده‌اند. برخی مطالعات، شواهدی ارائه کرده‌اند که بر مبنای آن در برخی از کشورها همسان‌همسری مبنی بر ویژگی‌های نسبت داده شده مانند مذهب و موقعیت اجتماعی والدین، در مسیر فرآیند نوسازی کاهش یافته و در حالی که همسان‌همسری بر اساس ویژگی‌هایی چون دستیابی به امکانات آموزشی افزایش یافته‌است. همچنین گرایش به همسان‌همسری سنی در ازدواج نسبت به دیگر اشکال همسان‌همسری کمتر پذیرفته شده‌است. محققان همواره از همسان‌همسری- ازدواج بر پایه شباهت‌ها- در تعدادی سطوح حمایت می‌کنند. مهم‌ترین این

سطوح، متغیرهای جمعیتی مانند تحصیلات، مذهب و نژاد است. همچنین همسان‌همسری بر شماری از ویژگی‌های روانی/شخصیتی، البته در سطح بسیار ضعیف‌تر در نظر گرفته می‌شود.

۴- چارچوب نظری

در جوامع نوین قواعد مقرری برای انتخاب همسر، در درون یا از بیرون گروه خود وجود ندارد؛ اما فشارهایی از نظر اجتماعی بر فرد وارد می‌آیند تا همسرانشان را از میان هم‌نژادان، هم‌دینان و اعضای طبقه اجتماعی خویش برگزیند. بورس کوئن اظهار می‌دارد که افراد در جوامع جدید بیشتر تمایل به گزینش همسان‌همسری دارند و بیشتر افراد همسرانشان را از میان افراد هم‌سن‌وسال و هم‌دین و هم‌طبقه و کسانی انتخاب می‌کنند که سطح تحصیلاتشان با آنها تقریباً برابر باشد و از نظر قیافه‌ی ظاهری مورد پسندشان قرار گرفته باشد (کوئن، ۱۳۷۵: ۱۳۰-۱۳۴).

از بین رویکردهای کلان‌نگر، تئوری مدرنیزاسیون^۱ به مکانیزم ارتباط بین سطوح توسعه‌ی اقتصادی و الگوهای همسان‌همسری اشاره دارد. گود و شرتر معتقدند، در جوامع ماقبل صنعتی، انتخاب همسر جوانان عمدتاً تحت نظارت و کنترل والدین و اجتماع صورت می‌گرفت. همراه با مدرنیزاسیون و صنعتی‌شدن، جوانان این امکان را پیدا می‌کنند تا در اثر افزایش سطح تحصیلات و فراهم‌شدن زمینه‌های استقلال اقتصادی به‌واسطه مشارکت گسترده در بازار کار، بتوانند آزادانه درمورد زندگی فردی خود و مخصوصاً انتخاب آزادانه‌ی شریک زندگی خود تصمیم‌گیری نمایند. کاهش نظارت و کنترل والدین بر رفتار جوانان از یکسو و تمایل جوانان به انتخاب آزادانه همسر از سوی دیگر منجر به کاهش همسان‌همسری خواهد شد. در کنار عوامل فوق، مدرنیزاسیون و ملزومات آن نظیر مشارکت در نهادهای آموزشی و بازار کار، امکان تعامل و ملاقات در بین افراد برخوردار از خصوصیات ناهمسان و برخاسته از گروه‌های اجتماعی مختلف را گسترش می‌دهد که این به نوبه‌ی خود به کاهش سطح همسان‌همسری منجر خواهد شد (عسکری ندوشن و ترابی، ۱۳۹۰: ۴).

اسمیتز با بسط تئوری مدرنیزاسیون، ابعاد مختلف ارتباط متقابل میان مراحل توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی و الگوی همسان‌همسری را در قالب چهار فرضیه‌ی رقیب، شامل فرضیه‌ی کسب منزلت^۲، فرضیه‌ی گشایش عمومی مرزهای گروهی^۳، فرضیه‌ی U معکوس^۴ و فرضیه‌ی اشباع^۵ مورد بحث قرار می‌دهد. با

1. Modernization Theory
2. The status-attainment hypothesis
3. The general openness hypothesis
4. Inverted U-curve hypothesis
5. The saturation hypothesis

افزایش سطح توسعه‌ی اقتصادی، همسان‌همسری تحصیلی نیز افزایش خواهد یافت. بدان سبب که تحصیلات یک وسیله‌ی مهم برای رسیدن به موفقیت اجتماعی بالاست؛ درحالی‌که اهمیت زمینه‌های اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. نتیجه‌ی این توسعه، اهمیت تحصیلات به‌عنوان یک پیشگویی‌کننده‌ی موفقیت اجتماعی در جوامع مدرن‌تر بیشتر شده است. اگر فرض را بر این بگیریم افرادی که می‌خواهند به موقعیت اجتماعی بالایی برسند، تمایل دارند با کسانی ازدواج کنند که بیشترین احترام را برای آنان در این زمینه قائل شوند، می‌توان انتظار داشت اهمیت تحصیلات در همسرگزینی در جوامع مدرن‌تر در حال افزایش خواهد بود. بنابر این فرضیه که در آن افراد سعی می‌کنند از طریق ازدواج به این وضعیت دست یابند، فرضیه‌ی کسب منزلت نامیده می‌شود (اسمیتز و دیگران، ۲۰۰۰: ۲۳۳-۲۳۴؛ اسمیتز، ۲۰۰۳: ۲۵۵-۲۵۶).

فرضیه‌ی دوم در مورد اثرات توسعه اقتصادی است که فرضیه گشایش عمومی مرزهای گروهی نامیده می‌شود. این فرضیه بیان می‌کند که نوسازی منجر به کاهش همسان‌همسری تحصیلی می‌شود به این دلیل که تعدادی از فرآیندهای مرتبط با آن از جمله تحصیلات، وسایل ارتباط جمعی، نیاز به پدر و مادر برای کنترل همسرگزینی فرزندان خود و توانایی‌شان برای انجام این را کاهش و میزان ارتباطات بین اشخاص را مطابق وضعیت گروه‌های مختلف افزایش می‌دهد. برای مثال، انتقال از اقتصاد کشاورزی به صنعتی منجر به جدایی منزل و محل کار، که باعث کاهش عملکرد اقتصادی خانواده و افزایش کارکردهای هیجانی می‌شود. حقوق و قوانین تأمین اجتماعی بالاتر و وابستگی بین والدین و کودکان را در جوامع مدرن کاهش می‌دهد و موقعیتی را برای ازدواج فراهم می‌سازد. شهرنشینی و افزایش تحرک جغرافیایی فرصت‌هایی را برای مواجهه مردم از وضعیت گروه‌های دیگر افزایش داده است و توانایی والدین را برای کنترل همسرگزینی فرزندانشان کاهش داده است و گسترش ارتباطات جمعی موانع فرهنگی بین گروه‌ها را از بین برده است و تعداد افرادی را که در یک جهان مشترک گفتمان سهیم هستند را افزایش داده است. همچنین ممکن است تقاطع فزاینده‌ای از حلقه‌های اجتماعی در جوامع مدرن ایفای نقش باشد. انتخاب شریک زندگی در بیش از یک بعد در نظر گرفته می‌شود و مردم در جوامع مدرن تمایل دارند باتوجه به ویژگی‌های خود و عضویت در گروه نسبت به جوامع سنتی‌تر ناهمگن‌تر باشند. این به این معنی است که ایجاد یک روابط خوب در یک بعد، کمتر نسبت به گذشته حاکی از روابط خوب در دیگر ابعاد است. در نتیجه می‌توان انتظار داشت که ارتباط بین زن و شوهر در هر بعد از همسرگزینی ضعیف‌تر شود (اسمیتز و دیگران، ۲۰۰۰: ۲۵۶؛ اسمیتز، ۲۰۰۳: ۲۳۴).

فرضیه‌ی سوم ترکیبی از پیش‌بینی‌های فرضیه‌ی دستیابی به منزلت و فرضیه‌ی گشایش عمومی مرزهای گروهی است. باتوجه به این فرضیه ترکیبی، افزایش همسان‌همسری تحصیلی به وسیله‌ی فرضیه‌ی کسب منزلت، عمدتاً در مرحله اول از فرایند صنعتی شدن قرار می‌گیرد. دلیلش این است که هنوز ایفای

یک نقش مهم در انتخاب شریک زندگی در طول این مرحله و وابستگی‌های بین والدین و فرزندان و کنترل والدین بر کودکان بالاست. به‌طور کلی، کاهش در همسان‌همسری تحصیلی به وسیله‌ی فرضیه‌ی گشایش عمومی به‌طور عمده در مرحله‌ی بعد از روند صنعتی‌شدن قرار خواهد گرفت. در آن زمان، افزایش دستمزدها و قوانین تأمین اجتماعی و وابستگی بین والدین و فرزندان کاهش خواهد یافت و افراد آزادی بیشتری را برای ازدواج با کسی که آن‌ها را انتخاب می‌کنند، دارند. به دلیل شکل پیش‌بینی شده‌ی این وابستگی، این فرضیه، فرضیه U معکوس نامیده می‌شود (اسمیتز و دیگران، ۲۰۰۰: ۲۵۶؛ اسمیتز، ۲۰۰۳: ۲۳۴).

علاوه بر این سه فرضیه، فرضیه چهارم، فرضیه اشباع‌شده نامیده می‌شود. به این معنی که همسان-همسری تحصیلی در کشورهای در حال مدرنیزه کاهش یافته است اما این کاهش آرام (کند) می‌شود. و نهایتاً در کشورهایی که به سطح بالایی از باز بودن رسیده‌اند، متوقف می‌شوند (اسمیتز و دیگران، ۲۰۰۰: ۲۵۷؛ اسمیتز، ۲۰۰۳: ۲۳۵).

نظریه نوسازی، همچنین، به تبیین تغییر و تحولات در نظام خانواده و به‌ویژه سن ازدواج پرداخته است. در فرایند نوسازی، خانواده‌محوری جای خود را به فردمحوری می‌دهد و هم‌زمان، سازمان‌ها و نهادهای جدید، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده را بر عهده می‌گیرند. بنابراین، مطابق با تغییر کارکرد خانواده، شبکه اجتماعی جدید جایگزین شبکه خویشاوندی می‌شود و در نتیجه، خانواده به یک واحد هسته‌ای استوار بر فردگرایی تبدیل می‌شود. به این معنا که تصمیمات فردی جایگزین تصمیمات خانواده درباره ازدواج می‌شود و این امر پیش شرط‌هایی برای ازدواج می‌طلبد و سن ازدواج را بالا می‌برد؛ فرد به تنهایی و بدون حمایت خانواده می‌بایست به آمادگی اجتماعی و اقتصادی جهت ازدواج برسد امری که در گذشته در نظام خانوادگی گسترده با همکاری سایر اعضای خانواده موجبات ازدواج در سنین پایین‌تر را فراهم می‌ساخت. بنابراین، نوسازی از این طریق باعث افزایش سن ازدواج افراد شد (محمودیان ۱۳۸۳: ۳۰ و ۳۱؛ زارع ۱۳۸۷: ۱۴۲) و طبق یافته‌های برخی از محققان با افزایش سن ازدواج زنان فاصله سنی زوجین کاهش می‌یابد و افزایش سن ازدواج مردان نیز موجب افزایش در فاصله سنی زوجین می‌شود (هنکوک^۱ و همکاران ۲۰۰۳: ۲۰؛ محمودیان ۱۳۸۵: ۱۳۶ و ۱۳۷؛ کاظمی‌پور ۱۳۸۳: ۱۱۶).

در فرایند نوسازی، خانواده‌محوری جای خود را به فردمحوری می‌دهد و هم‌زمان نهادها و سازمان‌های جدید بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده را بر عهده می‌گیرند، بنابراین مطابق با تغییر کارکرد خانواده، شبکه اجتماعی جدید جایگزین شبکه خویشاوندی می‌شود و کاهش کارکردهای شبکه قدرتمند خویشاوندی و خانواده‌ی گسترده باعث کاهش اقتدر والدین و افزایش استقلال فرزندان در امور فردی

خود (از جمله شیوه‌های همسرگزینی می‌شود و از رواج ازدواج‌های ترتیب‌یافته و خویشاوندی خواهد کاست و در نتیجه، خانواده به یک واحد هسته‌ای استوار بر فردگرایی تبدیل می‌شود (گود، ۱۹۶۳) به این معنا که تصمیمات فردی جایگزین تصمیمات خانواده درباره ازدواج می‌شود و این امر پیش‌شرط‌هایی برای ازدواج می‌طلبد و سن ازدواج را بالا می‌برد و فرد به تنهایی و بدون حمایت خانواده می‌باید به آمادگی اقتصادی و اجتماعی جهت ازدواج برسد. امری که در گذشته در نظام خانوادگی گسترده با همکاری سایر اعضای خانواده موجبات ازدواج در سنین پایین‌تر را فراهم می‌ساخت. بنابراین نوسازی از این طریق باعث افزایش سن ازدواج شد و افزایش سن ازدواج زنان از فاصله سنی بین زوجین کاسته و افزایش سن ازدواج مردان موجب افزایش در فاصله سنی زوجین می‌شود. به این دلیل که با افزایش سن ازدواج مردان معمولاً موقعیت اقتصادی و اجتماعی افراد نیز افزایش می‌یابد، سپس به احتمال اغلب این مردان از موقعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مردان جوان‌تر و در نتیجه از توانایی بیشتری در جلب و جذب زنان جوان‌تر از خود برای ازدواج برخوردارند (محمودیان و راهروزگر، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

در جمع‌بندی مباحث مطرح شده چنین می‌نماید که همسان‌همسری در جامعه‌های صنعتی جدید همچون هنجاری امر ازدواج را در خود ضبط دارد و اکثریت قاطع پژوهش‌ها گواه این حقیقت هستند. این پذیرفتنی که افراد خواهان انتخاب کسی هستند که همانند خود ایشان باشد و هر قدر درجه همگونی همسران بیشتر باشد، زناشویی آنان استوارتر و پایدارتر است. لیک پذیرش و اثبات این فرضیه و نیز شناخت درجات همسان‌همسری مستلزم کوشش‌های استدلالی قانع‌کننده‌تری است. در هر حال حتی اگر مخالفان در اثبات عقیده خود درباره وجود اختلاف میان پاره‌ای خصال همسران کامیاب شوند؛ باز این حقیقت به جای خود باقی است که با مجموعه عناصر تشکیل‌دهنده شخصیت همسران، سرانجام، همسان-همسری بر ناهمسان‌همسری پیشی می‌یابد.

۵- فرضیه‌های تحقیق

بین محل تولد (منشاء شهری و روستایی) و همسان‌همسری سنی و تحصیلی زوجین تفاوت وجود دارد.

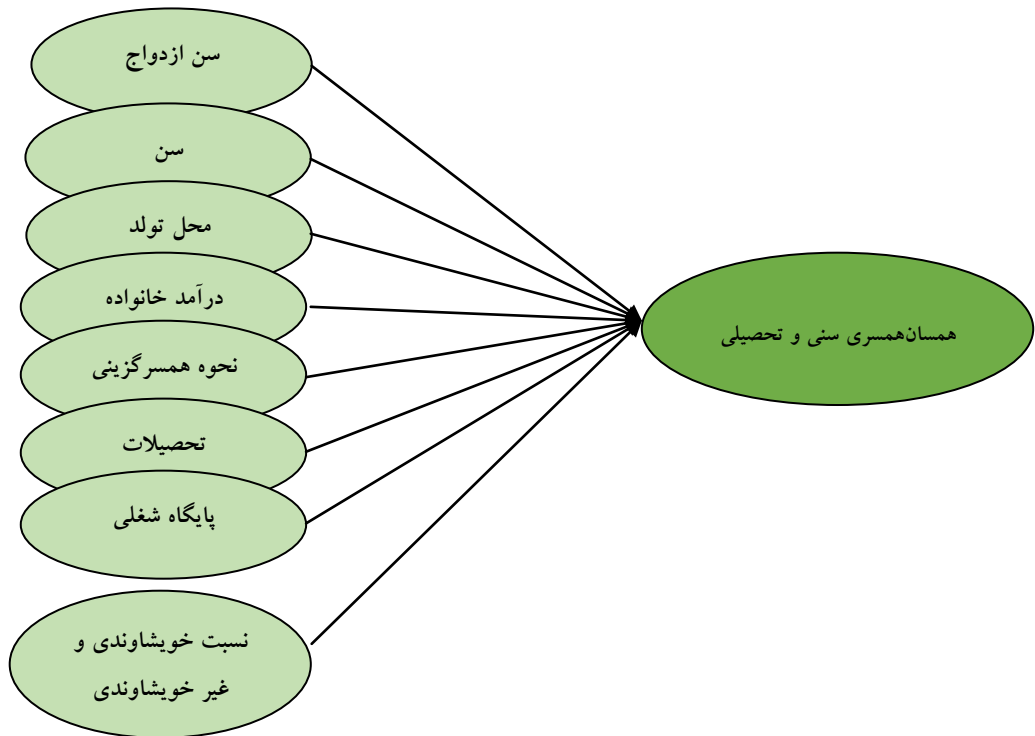
بین مرتبه شغلی و همسان‌همسری سنی و تحصیلی رابطه وجود دارد.

بین تحصیلات و همسان‌همسری سنی و تحصیلی رابطه وجود دارد.

بین سن ازدواج و همسان‌همسری سنی و تحصیلی رابطه وجود دارد.

بین درآمد خانواده و همسان‌همسری سنی و تحصیلی وجود دارد.

بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و همسان‌همسری سنی و تحصیلی رابطه وجود دارد.
 بین ازدواج خویشاوندی زوجین و همسان‌همسری سنی و تحصیلی رابطه وجود دارد
 بین نحوه انتخاب همسر و همسان‌همسری سنی و تحصیلی رابطه وجود دارد.



۶- روش شناسی

در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است و جمع‌آوری داده‌ها به مدت ۳ ماه به طول انجامید. جامعه آماری این پژوهش، زوجین شهر یزد در ۳ منطقه‌ی شهری در سال ۱۳۹۱ می‌باشد. حجم نمونه در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران و با سطح اطمینان ۹۵ درصد، تعداد ۳۸۴ نفر است. در تحقیق حاضر، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای متناسب (PPS) استفاده گردید. بدین صورت که ابتدا سه منطقه‌ی شهرداری یزد به‌عنوان خوشه اصلی و در مرحله‌ی بعدی، خیابان‌ها و میدان‌های اصلی هر منطقه از

شهرداری در حکم بلوک برای خوشه‌ها در نظر گرفته شد. در هر خوشه، نقاط منتخبی تعیین گردید. انتخاب مناطق با توجه به تنوع ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی و بافت فرهنگی مناطق صورت گرفت. سپس در مناطق منتخب پاسخگویان به صورت سیستماتیک مورد مطالعه قرار گرفتند. تهیه داده‌ها از طریق پرسشنامه با سؤالات باز و بسته بوده است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS و Excel و جهت تحلیل داده‌ها، آزمون ضریب همبستگی پیرسون، تی، تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه استفاده شده است. در نهایت اینکه، این مطالعه به لحاظ ماهیت، کاربردی، به لحاظ معیار زمان مقطعی، و به لحاظ معیار وسعت پهنانگر است. متغیرهای مستقل و وابسته‌ای که در این تحقیق به کار رفته‌اند، عبارتند از:

متغیرهای مستقل: ۱- سال ازدواج، ۲- محل تولد، ۳- سطوح تحصیلی، ۴- نحوه انتخاب همسر، ۵- میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، ۶- درآمد، ۷- سطوح منزلت شغلی، ۸- نسبت خویشاوندی زوجین.

متغیرهای وابسته: ۱- همسان‌همسری سنی (عبارت است از تفاوت سنی زن و شوهر که از طریق کم کردن سن زن از سن شوهر محاسبه گردید)، ۲- همسان‌همسری تحصیلی (عبارت است از تفاوت سطح تحصیلات زن و شوهر که از طریق کم کردن سطح تحصیلات زن از سطح تحصیلات شوهر محاسبه گردید)

۷- یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
زن	۲۳۹	۵۷
مرد	۱۸۰	۴۳
کل	۴۱۹	۱۰۰

همانگونه که در جدول فوق مشخص است از میان ۴۱۹ نفر حجم نمونه مطالعه حاضر، ۲۳۹ نفر را زنان و مابقی را مردان تشکیل داده‌اند.

جدول شماره ۲: توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب محل تولد

جنس	محل تولد	زن	شوهر	مادر زن	پدر زن	مادر شوهر	پدر شوهر
شهر	۸۶/۴	۸۶/۹	۷۱/۶	۷۰/۲	۷۰/۲	۷۰/۴	۷۰/۲
روستا	۱۳/۶	۱۳/۱	۲۸/۴	۲۹/۸	۲۹/۸	۲۹/۶	۲۹/۸
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۲ بیانگر توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب محل تولد می‌باشد. چنانکه مشاهده می‌شود اکثریت پاسخگویان مورد مطالعه ما و همچنین والدین‌شان به لحاظ محل تولد، شهری بوده‌اند. به عبارت دیگر $\frac{3}{4}$ از حجم نمونه را افراد متولد شهر و مابقی را افراد متولد روستا تشکیل داده‌اند.

جدول شماره ۳: توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب نسبت فامیلی

نسبت فامیلی	جنس	زن و شوهر	مادر زن و پدر زن	مادر شوهر و پدرشوهر
پسر عمو	۴/۵	۴/۵	۵/۳	۵/۳
پسر خاله	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۳/۶
پسر دایی	۴/۳	۴/۳	۲/۱	۲/۶
پسر عمه	۶/۲	۶/۲	۱/۹	۳/۳
خویشاوند دور	۱۶/۵	۱۶/۵	۱۸/۹	۱۲/۲
غیرخویشاوند	۶۳/۵	۶۳/۵	۶۶/۸	۷۲/۶
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

شوهر چه نسبت فامیلی با همسرش دارد؟ (۱) پسرعمو، (۲) پسرخاله، (۳) پسر دایی، (۴) پسر عمه، (۵) خویشاوند دور، (۶) غیرخویشاوند

جدول فوق نشان می‌دهد که ۶۳ درصد یا به عبارتی ۲۶۶ نفر از پاسخگویان زن با غیر خویشاوند، ۱۶/۵ درصد با خویشاوندان دور و مابقی با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند که در واقع میزان ازدواج‌های غیرخویشاوندی نسبت به ازدواج‌های خویشاوندی در سطح بالاتری بوده است. و همچنین مادر زن و مادر شوهر اکثریت پاسخگویان (به ترتیب ۶۷ و ۷۲ درصد) با غیر خویشاوند ازدواج کرده‌اند. داده‌ها حکایت از کاهش اندک ازدواج‌های غیرخویشاوندی در میان فرزندان نسبت به والدین دارد. در حالی که ۶۳/۵ درصد از فرزندان با غیرخویشاوندان ازدواج کرده‌اند این نسبت در بین والدین زن و شوهر به ترتیب به ۶۷ و ۷۲/۶ درصد می‌باشد.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب روش‌های ازدواج

درصد	فراوانی	روش‌های ازدواج
۲۰	۸۴	پدر و مادر (یا بزرگترها)
۲۲/۹	۹۶	خودم
۵۷	۲۳۹	خودم و خانواده‌ام با همدیگر
۱۰۰	۴۱۹	کل

مردم به روش‌های مختلفی ازدواج می‌کنند. مثلاً بعضی وقتها پدر و مادر تصمیم می‌گیرند که ما با چه کسی ازدواج کنیم و بعضی وقتها ما خودمان تصمیم می‌گیریم. در انتخاب همسر شما چه کسی نقش بیشتر داشت؟ (۱) پدر و مادر (یا بزرگترها)، (۲) خودم، (۳) خودم و خانواده‌ام با همدیگر

همانگونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، ۵۷ درصد از پاسخگویان و یا به عبارتی بیش از نیمی از پاسخگویان، در انتخاب همسرشان، خودشان به همراه خانواده‌شان نقش داشته‌اند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی سایر متغیرهای تحقیق

متغیر	کد و تعریف متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
سن زن	سن پاسخگو به سالهای منفرد	۳۳/۲۳	۱۰/۸۳	۱۷	۷۴
سن شوهر	سن پاسخگو به سالهای منفرد	۳۸/۱۲	۱۱/۷۳	۲۰	۸۵
تحصیلات زن	سنوآت تحصیل (به سال)	۱۲/۱۲	۳/۹۱	۰	۲۳
تحصیلات شوهر	سنوآت تحصیل (به سال)	۱۲/۵۵	۴/۰۱	۰	۲۳
همسان همسری سنی	تفاوت سنی زوجین	۵/۱۷	۳/۵۲	۰	۲۸
همسان همسری تحصیلی	تفاوت تحصیلی زوجین	۲/۲۰	۲/۳۴	۰	۱۱
سن ازدواج زن	سن ازدواج پاسخگو به سالهای منفرد	۱۹/۹۴	۳/۴۷	۱۳	۳۶
سن ازدواج شوهر	سن ازدواج پاسخگو به سالهای منفرد	۲۵/۰۱	۴/۱۳	۱۴	۵۵
شاخص استفاده از رسانه‌ها	میزان استفاده از رسانه‌ها	۵/۹۵	۴/۰۲	۰	۳۳
درآمد	متوسط درآمد ماهیانه خانواده	۵/۸۵	۰/۲۵	۵	۷

چنانچه در جدول فوق ملاحظه می‌گردد، میانگین سن زنان در حالت کلی برابر با ۳۳ است کمترین سن ۱۷ و بالاترین سن ۷۴ سال بوده است. و میانگین سن ازدواج مردان برابر با ۳۸ است که کمترین سن ۲۰ و بالاترین سن ۸۵ سال بوده است. به طور کلی میانگین تحصیلات زنان و مردان پاسخگوی ما برابر با ۱۲ است که حدوداً دیپلم بوده است. همسان‌همسری در پژوهش حاضر در ۴ بعد سنجیده شده است که در جدول زیر حداقل و حداکثر نمره و میانگین و انحراف معیار به تفکیک آورده شده است. میانگین همسان‌همسری سنی زوجین ۵/۱۷، که کم‌ترین تفاوت سنی ۰ سال و بیشترین تفاوت سنی ۲۸ سال بود. میانگین همسان‌همسری تحصیلی، ۲/۲۰، کم‌ترین تفاوت ۰ و بیشترین تفاوت تحصیلی ۱۱ بود. میانگین سن ازدواج زنان پاسخگو برابر است با ۱۹/۹۴ سال و کمترین سن ازدواج برابر با ۱۳ سال و بالاترین سن ۳۶ سال می‌باشد. و میانگین سن ازدواج مردان در حال کلی برابر است با ۲۵/۰۱ که کمترین سن ازدواج برابر با ۱۴ سال و بالاترین سن ازدواج ۵۵ سال بوده است. به طور کلی میانگین میزان استفاده پاسخگویان از رسانه‌ها برابر است با ۵/۹۵ ساعت که در سطح پایینی قرار دارد. به طور کلی، میانگین متوسط درآمد ماهیانه خانواده برابر، ۵/۸۵ بوده است به عبارتی دیگر، میانگین درآمد متوسط خانواده‌ها برابر ۷۰۰ هزار تومان است. کم‌ترین درآمد برابر، ۱۰۰ هزار تومان و بیشترین درآمد ۱۰ میلیون تومان است.

جدول شماره ۶: توزیع درصدی نظرات پاسخگویان در خصوص تناسب تحصیلی زوجین برحسب سطوح مختلف تحصیلات

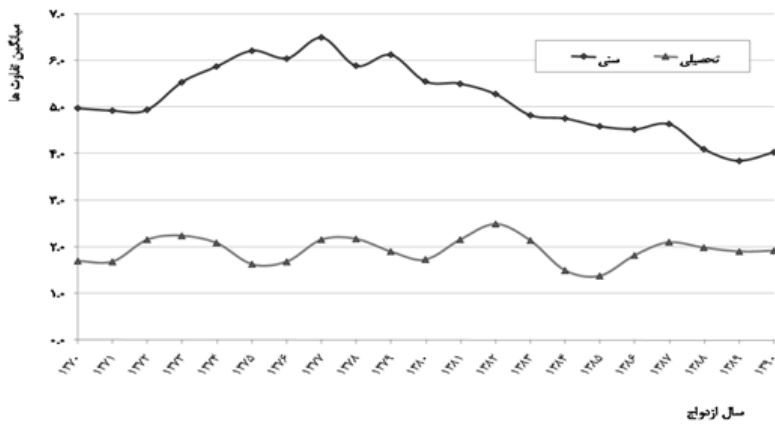
زن

کل	دکتری باشد	فوق لیسانس باشد	لیسانس باشد	متوسطه باشد	راهنمایی باشد	ابتدایی باشد	گروه‌ها
۱۰۰	۱/۹	۱/۴	۵	۳۷/۵	۲۸/۲	۲۶	برای یک زن با تحصیلات ابتدایی، شوهری مناسب است که دارای تحصیلات:
۱۰۰	۱	۰/۵	۱۳/۱	۵۸/۵	۲۵/۵	۱/۴	برای یک زن با تحصیلات راهنمایی، شوهری مناسب است که دارای تحصیلات:
۱۰۰	۰/۷	۳/۶	۵۳/۲	۴۱/۱	۱	-	برای یک زن با تحصیلات متوسطه، شوهری مناسب است که دارای تحصیلات:
۱۰۰	۳/۶	۴۰/۸	۵۱/۸	۲/۹	۲	-	برای یک زن با تحصیلات لیسانس، شوهری مناسب است که دارای تحصیلات:
۱۰۰	۳۴/۶	۵۸	۶/۲	۰/۷	۰/۲	-	برای یک زن با تحصیلات فوق لیسانس، شوهری مناسب است که دارای تحصیلات:
۱۰۰	۸۸/۵	۶/۹	۳/۱	۱	۰/۲	-	برای یک زن با تحصیلات دکتری، شوهری مناسب است که دارای تحصیلات:

الگوی توزیع همسانی و ناهمسانی تحصیلی زوجین بر حسب سطح تحصیلات زنان در جدول ۶ منعکس شده است. نکته‌ای که در این جدول باید مورد تأکید قرار بگیرد این است که در صورتی که تحصیلات زن در سطوح تحصیلی پایین تر از متوسطه، باشد، اکثریت پاسخگویان، مناسب می‌دانند که تحصیلات مرد حداقل متوسطه باشد. بگونه‌ای که درصدها نشان می‌دهد... حال آنکه برای زنان با تحصیلات دانشگاهی، اکثریت پاسخگویان بر این باورند که همسان‌همسری تحصیلی گزینه بهتری برای زوجین است. بنابراین همانطور که جدول نشان می‌دهد، ۳۷ درصد از کل زنان دارای تحصیلات ابتدایی و ۵۸ درصد از کل زنان دارای تحصیلات راهنمایی و ۵۳ درصد از کل زنان دارای تحصیلات متوسطه با شوهران دارای مدارج تحصیلی بالاتر ازدواج کرده‌اند در حالی که با افزایش میزان تحصیلات، نگرش پاسخگویان نسبت به همسان‌همسری تحصیلی افزایش می‌یابد.

بررسی روند تحولات همسان‌همسری در یزد

نمودار ۱ میانگین تفاوت سنی و تحصیلی زوجین را بر حسب سال‌های ازدواج ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. همانطور که نشان داده شده است، همسان‌گزینی به لحاظ سنی در الگوی ازدواج جمعیت یزد رو به افزایش است اما نمی‌توان به طور قطع یک فاصله سنی خاص را بین زوجین مشخص کرد؛ تفاوت سنی زوجین بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ با اندک نوساناتی بین ۴/۹۲-۴/۹۸ بوده است. بیشترین تفاوت سنی زوجین را در سال‌های ۷۳ تا ۸۲ مشاهده می‌کنیم که ازدواج زودرس زنان دارای تحصیلات کمتر می‌تواند علت اصلی این تفاوت باشد. اما از سال ۸۳ تا ۹۰ از میزان این تفاوت کاسته شده است که می‌توان گفت با بهبود موقعیت زنان از طریق افزایش تحصیلات و مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اجتماعی، این فاصله کمتر می‌شود. کم‌شدن فاصله، عمدتاً به افزایش بیشتر سن ازدواج زنان بر می‌گردد، افزایشی که علت اصلی آن تلاش بیشتر زنان برای کسب موقعیت‌های بالاتر است. همچنین بهبود موقعیت زنان از طریق کسب آزادی‌های بیشتر در انتخاب همسر، به همراه گرایش به برابری جنسیتی از طریق همسان‌همسری، وقوع ازدواج‌هایی که در آن زنان و مردان از موقعیت‌های مشابهی از نظر تحصیل، شغل و سن برخوردارند را افزایش داده است (محمودیان، ۱۳۸۵: ۱۳۰). علاوه‌براین، همسانی تحصیلی از سال ۷۰ تا ۹۰ اگرچه با نوساناتی همراه بوده؛ اما در واقع یک روند ثابتی را طی نموده است با این حال در سال‌های ۸۷ تا ۹۰ همسانی تحصیلی اندکی افزایش یافته است و به عبارت دیگر زوجین از لحاظ تحصیلی فاصله اندکی دارند و می‌توان علت آن را همان‌طور که بیان شد، به بهبود موقعیت زنان در سال‌های اخیر نسبت داد.



شکل شماره ۱: روند تغییرات در میانگین تفاوت‌های سنی و تحصیلی زوجین بر حسب سال ازدواج- شهر یزد، ۱۳۷۰-۹۰

جدول شماره ۷: همبستگی همسان همسری سنی و تحصیلی بر اساس ویژگی‌های منتخب

متغیر وابسته	همسان همسری سنی	همسان همسری تحصیلی
متغیر مستقل		
تحصیلات زن	۰/۱۶۳**	۰/۲۰۰**
تحصیلات شوهر	۰/۱۲۴*	۰/۰۲۳
تحصیلات والدین زن	۰/۱۱۷*	۰/۱۶۸**
تحصیلات والدین شوهر	۰/۱۹۷**	۰/۱۶۵**
منزلت شغلی زن	۰/۰۷۴	۰/۰۶۴
منزلت شغلی مرد	۰/۰۳۶	-۰/۰۰۷
منزلت شغلی مادر زن	-۰/۰۳۶	۰/۰۱۸
منزلت شغلی پدر زن	۰/۰۲۱	-۰/۰۰۳
منزلت شغلی مادر شوهر	۰/۱۲۲*	۰/۰۵۳
منزلت شغلی پدر شوهر	-۰/۰۳۵	-۰/۰۰۱
سن ازدواج زن	۰/۲۹۶**	۰/۱۱۳*
سن ازدواج شوهر	-۰/۵۷۹**	-۰/۰۸۰
درآمد	-۰/۰۵۷	۰/۰۴۶
رسانه	-۰/۰۵۲	۰/۰۳۸

** معناداری در سطح ۰/۰۱ ؛ * معناداری در سطح ۰/۰۵

با توجه به اطلاعات جدول ۷، می‌توان بیان داشت بین سطح تحصیلات زن و همسانی سنی رابطه معناداری مشاهده می‌گردد ($R=0/163$). این ضریب همبستگی مثبت می‌باشد. به این معنا که هر چه سطح تحصیلات زن افزایش می‌یابد، میزان همسانی سنی زوجین افزایش می‌یابد. همچنین بین تحصیلات مرد و همسانی سنی رابطه معنادار و مثبت مشاهده می‌گردد ($R=0/124$)؛ به این معنا که با افزایش سطوح تحصیلی مرد، افزایش را در همسانی سنی مشاهده می‌کنیم. بین منزلت شغلی مادرشوهر و همسانی سنی رابطه‌ی معنادار و این همبستگی مثبت است. بدان معنی که، هر چه منزلت شغلی مادر شوهر بالاتر باشد همسانی سنی زوجین بیشتر خواهد شد و فاصله‌ی سنی کمتری خواهند داشت. بین سن ازدواج زن و همسانی سنی رابطه‌ی معنادار مشاهده می‌گردد، این همبستگی مثبت ($R=0/296$) و بدان معناست که هر چه سن ازدواج زن موقع ازدواج بالاتر باشد همسانی سنی افزایش می‌یابد. بین سن ازدواج شوهر و همسانی سنی رابطه‌ی معنادار و این همبستگی از نوع منفی می‌باشد ($R=-0/579$)؛ یعنی هر چه سن ازدواج شوهر بالاتر باشد بر میزان ناهمسانی زوجین افزوده می‌شود و در واقع شاهد همسانی کمتری بین زوجین خواهیم بود. اما بین منزلت شغلی زوجین و والدین زن و پدرشوهر و درآمد خانواده و میزان استفاده از رسانه رابطه معناداری وجود ندارد.

علاوه‌براین، بین تحصیلات زن و همسانی تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد به این معنا، هر چه تحصیلات زنان بالاتر باشد همسانی تحصیلی زوجین افزایش خواهد یافت. به همین نحو بین سطح تحصیلات والدین زوجین و همسانی تحصیلی رابطه مثبت و معنادار مشاهده می‌گردد. یعنی، هر چه سطح تحصیلات والدین زوجین بیشتر باشد از تفاوت و یا فاصله سطح تحصیلی زوجین کاسته خواهد شد. بین سن ازدواج زن و همسانی سنی رابطه مثبت و معناداری مشاهده می‌گردد. به این معنا که هر چه سن زن هنگام ازدواج بیشتر باشد، همسانی تحصیلی زوجین بیشتر می‌شود. اما، بین منزلت شغلی زوجین و والدین زوجین و سن ازدواج شوهر، درآمد خانواده و میزان استفاده از رسانه رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول شماره ۸: خروجی آزمون تی جهت مقایسه همسان همسری و محل تولد زوجین

ابعاد	مقولات (محل تولد)	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T مقدار	درجه آزادی	سطح معنی داری
همسان همسری سنی	زنان متولدین شهر	۳۶۲	۹/۸۱	۳/۲۳	-۰/۳۰۷	۶۹/۱۰	۰/۷۵۹
	زنان متولدین روستا	۵۷	۹/۹۸	۳/۸۳			
	مردان متولدین شهر	۳۶۴	۹/۹۲	۳/۲۰	۱/۱۲۶	۶۵/۹۰	۰/۲۶۴
	مردان متولدین روستا	۵۵	۹/۲۹	۴/۹۷			
همسان همسری تحصیلی	زنان متولدین شهر	۳۶۲	۸/۸۶	۲/۳۰	۱/۵۵۱	۴۱۷	۰/۱۲۲
	زنان متولدین روستا	۵۷	۸/۳۵	۲/۵۳			
	مردان متولدین شهر	۳۶۴	۸/۸۹	۲/۳۰	۲/۱۰۰	۴۱۷	۰/۰۳۶
	مردان متولدین روستا	۵۵	۲/۱۸	۲/۴۹			

بر اساس جدول شماره ۸ میزان همسان همسری سنی در میان زنان متولدین روستا بیشتر از زنان متولدین شهر است به گونه‌ای که نمره میانگین زنان روستایی از این متغیر، ۹/۹۸ و زنان شهری ۹/۸۱، است، اما این رابطه معنادار نشده است. به همین نحو میزان این متغیر در میان مردان متولد روستا بیشتر از مردان متولد شهر است اما رابطه معنی دار نیست. همچنین، میزان همسانی تحصیلی در زنان متولد شهر بیشتر از متولد روستا است و این رابطه معنادار نیست. در این میان میزان همسان همسری تحصیلی در میان مردان متولدین شهر بیشتر از مردان متولدین روستا است به گونه‌ای که میانگین نمره مردان متولد شهر از این متغیر، ۸/۸۹ و برای مردان روستایی ۲/۱۸ است. این تفاوت با توجه به تی بدست آمده ($T=۰/۲۰۰$) و در سطح ۹۵ درصد، معنی دار است.

جدول شماره ۹: خروجی آزمون تی جهت مقایسه همسان‌همسری و نسبت خویشاوندی زوجین

همسان همسری تحصیلی	همسان همسری سنی		نسبت خویشاوندی زوجین
۸/۶۶	۱۰/۱۳	خویشاوند	
۸/۸۴	۹/۶۵	غیر خویشاوند	
-۰/۸۷۹	-۱/۴۳۴	آزمون T	
۸/۵۴	۹/۷۸	خویشاوند	نسبت خویشاوندی والدین زن
۸/۹۱	۹/۸۳	غیر خویشاوند	
-۱/۵۰۴	-۰/۱۵۸	آزمون T	
۸/۷۱	۹/۷۸	خویشاوند	نسبت خویشاوندی والدین شوهر
۸/۸۱	۹/۸۴	غیر خویشاوند	
-۰/۳۹۶	-۰/۱۵۸	آزمون T	

* معناداری در سطح ۰/۰۵

در جدول شماره ۹، نوع نسبت خویشاوندی، نیز از جمله عامل‌هایی است که همسان‌همسری زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بر اساس جدول کسانی که با همسرشان نسبت خویشاوندی داشتند، همسانی سنی بیشتری داشتند به گونه‌ای که میانگین نمره آن‌ها ۱۰/۱۳ بیش از کسانی است که با همسر خود نسبت فامیلی نداشتند (۹/۶۵) که این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست. همچنین، کسانی که با همسرشان نسبت فامیلی نداشتند نسبت به زوجین خویشاوند تفاوت تحصیلی بیشتری داشتند در واقع از ناهمسانی تحصیلی بالاتری برخوردار بودند. می‌توان گفت این الگو از ازدواج در بین زوجین تا حدودی از والدینشان نشأت گرفته منتهی تأثیر معناداری را بر الگوی ازدواج همسان زوجین نداشته است.

جدول شماره ۱۰: نتایج تحلیل واریانس تفاوت بین میانگین‌های نحوه انتخاب همسر و همسان‌همسری

همسان همسری تحصیلی	همسان همسری سنی	گویه	
		میانگین	نحوه انتخاب همسر
۸/۸۸	۱۰/۵۱	خودم	انتخاب همسر
۸/۲۲	۸/۷۶	پدر و مادر و یا بزرگترها	
۸/۹۶	۹/۹۴	خودم و خانواده‌ام با همدیگر	
۳/۱۹۶*	۶/۶۹۳	F مقدار کل	
۰/۰۴۲	۰/۰۰۱	سطح معناداری	

جدول شماره ۱۱: نتایج آزمون توکی برای مقایسه میانگین نحوه انتخاب همسر زوجین بر حسب همسان‌همسری

سنی

نحوه انتخاب همسر	نحوه انتخاب همسر	(A-B) تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری
پدر و مادر (و یا بزرگترها)	خودم	-۱/۷۴*	۰/۵۸۹	۰/۰۰۱
	خودم و خانواده‌ام با همدیگر	۱/۱۸*	۰/۴۱۵	۰/۰۱۲
خودم	پدر و مادر (و یا بزرگترها)	-۱/۷۴*	۰/۴۸۹	۰/۰۰۱
	خودم و خانواده‌ام با همدیگر	۰/۵۶	۰/۳۹۵	۰/۳۳۳
خودم و خانواده‌ام با همدیگر	پدر و مادر (و یا بزرگترها)	۱/۱۸*	۰/۴۱۵	۰/۰۱۲
	خودم	-۰/۵۶	۰/۳۹۵	۰/۳۳۳

* معناداری در سطح ۰/۰۵

جدول شماره ۱۲: نتایج آزمون توکی برای مقایسه میانگین نحوه انتخاب همسر زوجین بر حسب همسان‌همسری

تحصیلی

نحوه انتخاب همسر	نحوه انتخاب همسر	(C-D) تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معناداری
پدر و مادر (و یا بزرگترها)	خودم	-۰/۶۵	۰/۳۴۷	۰/۱۴۱
	خودم و خانواده‌ام با همدیگر	-۰/۷۳*	۰/۲۹۵	۰/۰۳۵
خودم	پدر و مادر (و یا بزرگترها)	۰/۶۵	۰/۳۴۷	۰/۱۴۱
	خودم و خانواده‌ام با همدیگر	-۰/۰۷	۰/۲۸۱	۰/۹۶۰
خودم و خانواده‌ام با همدیگر	پدر و مادر (و یا بزرگترها)	۰/۷۳*	۰/۲۹۵	۰/۰۳۵
	خودم	۰/۰۷	۰/۲۸۱	۰/۹۶۰

* معناداری در سطح ۰/۰۵

نتایج تحلیل واریانس تفاوت بین نحوه انتخاب همسر پاسخگویان بر اساس همسان‌همسری سنی و تحصیلی در جداول فوق ارائه شده است که میزان F به ترتیب برابر $۶/۶۹۳$ و $۳/۱۹۶$ که در سطح کم‌تر از $۰/۰۵$ معنادار است. با توجه به معنادار بودن F از آزمون توکی استفاده شد و مشخص گردید فقط اختلاف میانگین همسان‌همسری سنی زوجینی که توسط پدر و مادر و یا بزرگ‌ترها دست به انتخاب همسر زدند کم‌تر از کسانی است که خودشان به تنهایی همسرشان را انتخاب کرده‌اند می‌باشد (در سطح معناداری کمتر از $۰/۰۵$ درصد). به عبارت دیگر، افرادی که همسرشان توسط والدین‌شان انتخاب شده بود، بیشترین تفاوت سنی را داشتند و کم‌ترین تفاوت سنی مربوط به اشخاصی بود که خود همسرشان را انتخاب کرده بودند. همچنین میانگین همسان‌همسری تحصیلی زوجینی که توسط والدین و یا سایر بزرگ‌ترها همسرشان را انتخاب کرده‌اند، کم‌تر از کسانی است که خودشان به همراه خانواده‌شان به گزینش همسر پرداخته‌اند، می‌باشد (در سطح معناداری کم‌تر از $۰/۰۵$ درصد).

جدول شماره ۱۳: معادله رگرسیون همسان‌همسری سنی و تحصیلی در مرحله نهایی

همسان‌همسری سنی					متغیر وابسته
ضریب ثابت (Constsnt)	سطح معناداری	T مقدار	Beta ضریب استاندارد شده	ضریب رگرسیون B	متغیر مستقل
۰/۶۳۳	۰/۰۰۰	۴۴/۱۲۸	۱/۰۱۸	۰/۸	سن ازدواج شوهر
	۰/۰۰۰	-۳۳/۹۱۴	۰/۸۱۴	۰/۸	سن ازدواج زن
	۰/۰۰۵	-۲/۸۴۵	۰/۰۵۹	۰/۰۵	تحصیلات زن
$F=۷۳۲/۱۶۲$ d.f=۳ Sig=۰/۰۰۰					
همسان‌همسری تحصیلی					متغیر وابسته
ضریب ثابت (Constsnt)	Sig	T	Beta	ضریب B	متغیر مستقل
۳/۶۸۱	۰/۰۰۰	-۴/۲۲۷	۰/۲۰۵	۰/۱۲	تحصیلات زن
$F=۱۷/۸۶۶$ d.f=۱ Sig=۰/۰۰۰					

بر اساس جدول شماره ۱۳، به منظور تبیین همسان‌همسری سنی بر اساس متغیرهای تحصیلات زن و شوهر، تحصیلات والدین زن و شوهر، منزلت شغلی مادرشوهر، سن ازدواج زن و شوهر، نسبت خویشاوندی زوجین و نحوه انتخاب همسر از رگرسیون چندمتغیره گام به گام استفاده شده است. در مجموع از ۹ متغیر وارد شده به معادله رگرسیونی، ۳ متغیر مستقل در این تحلیل باقی ماندند که ضریب همبستگی آن‌ها با همسان‌همسری سنی برابر با $R = 0/921$ و ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0/848$ و ضریب تعیین خالص برابر با $R^2 = 0/846$ شده است. این ضرایب بیانگر آن است که حدود ۸۵ درصد از واریانس همسان‌همسری سنی توسط متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیونی تبیین می‌شود.

همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده، خطی و معنادار است. زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر همسان‌همسری سنی، برابر $162/332$ با $F = 0/000$ معنی‌داری $P = 0/000$ می‌باشد.

در مجموع طبق اطلاعات جدول فوق و با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده ملاحظه می‌شود که سن ازدواج شوهر با $Beta = -1/018$ ، سن ازدواج زن با $Beta = 0/814$ ، تحصیلات زن با $Beta = 0/059$ در تبیین همسان‌همسری سنی سهم معنی‌داری دارند. ملاحظه می‌گردد که سن ازدواج شوهر بیشترین تأثیر را در میزان همسان‌همسری سنی زوجین دارد. به این معنا که هر چه سن شوهر هنگام ازدواج بیشتر باشد، میزان همسانی سنی و یا به عبارت دیگر تفاوت سنی بین زوجین بیشتر خواهد بود. همچنین، با توجه به اطلاعات مندرج در جدول باید گفت که سن ازدواج زن و تحصیلات زن بر روی همسان‌همسری سنی تأثیر مثبت دارد.

علاوه بر این، به منظور تبیین همسان‌همسری تحصیلی، بر اساس متغیرهای محل تولد مرد، تحصیلات زن، تحصیلات والدین زن و شوهر، سن ازدواج زن و نحوه انتخاب همسر، در مجموع از ۶ متغیر وارد شده به معادله رگرسیونی فقط یک متغیر مستقل در این تحلیل باقی ماند که ضریب همبستگی آن با متغیر همسان‌همسری تحصیلی برابر با $R = 0/205$ و ضریب تعیین برابر با $R^2 = 0/042$ و ضریب تعیین خالص برابر با $R^2 = 0/040$ شده است. این ضرایب بیانگر آن است که حدود $4/2$ درصد از واریانس همسان‌همسری تحصیلی توسط متغیر مستقل موجود در معادله رگرسیونی تبیین می‌شود.

همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده، خطی و معنادار است، زیرا مقدار F برای تعیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر همسان‌همسری تحصیلی، برابر $F = 17/866$ با سطح معنی‌داری $P = 0/000$ می‌باشد.

در مجموع طبق اطلاعات جدول فوق و با توجه به ضرایب بتاهای استاندارد شده ملاحظه می‌شود که تحصیلات زن با $Beta = 0/205$ ، در تبیین همسان‌همسری تحصیلی سهم معنی‌داری دارند. به این معنا که

هر چه سطح تحصیلات زن بالاتر باشد همسانی در سطوح تحصیلی بیشتر خواهد بود در واقع از لحاظ تحصیلی همسانی بیشتری خواهند داشت.

۸- نتیجه‌گیری

هدف مقاله حاضر، مطالعه‌ی عوامل تعیین‌کننده‌ی همسان‌همسری سنی و تحصیلی زوجین در شهر یزد است و روند تغییرات آن با توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی و جمعیت‌شناختی با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه انجام شده است.

به اختصار یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که محل تولد زوجین تنها در بعد همسان‌همسری تحصیلی از هم متفاوت بودند؛ به‌گونه‌ای که، همسان‌همسری تحصیلی در میان مردان و زنان متولدین شهر بیش از متولدین روستا است که همسو با تحقیقات شوازی و ترابی (۱۳۸۵) و مجدالدین (۱۳۸۶) است که نشان دادند هنگامی که پسران روستایی در راه کسب علم، تخصص و شغل مناسب به شهرها مهاجرت می‌کنند و با یک تحرک طبقاتی صعودی به پایگاه اجتماعی بالاتری ارتقاء می‌یابند، دیگر حاضر نیستند در اقشار و طبقات پایین‌تر خود در روستا ازدواج نمایند و به همسان‌همسری و ازدواج با دختران شهری تمایل پیدا می‌کنند.

یافته‌های دیگر مطالعه‌ی حاضر نشان داده است که هر چه سطح تحصیلات زن افزایش می‌یابد از تفاوت سنی و تحصیلی زوجین کاسته می‌شود همان‌طور که یافته‌های تحقیقات محمودیان (۱۳۸۳)، محمودیان و راه‌روزرگر (۱۳۸۹)؛ اتکینسون و گلاس (۱۹۸۵)؛ راشاد و عثمان (۲۰۰۳)، نشان دادند بهبود موقعیت زنان به عنوان یکی از جنبه‌های نوسازی، تأثیر زیادی بر ازدواج زنان دارد. نوسازی از طریق گسترش تحصیلات عمومی و فراهم کردن امکان حضور در فعالیت‌های بیرون از خانه، موقعیت زنان را بهبود بخشیده است. موقعیت بهبود یافته زنان با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده همراه بوده است. به همین نحو، بین تحصیلات شوهر با همسانی سنی رابطه مثبت مشاهده می‌شود. بدان معنا که افزایش سطح تحصیلات شوهر با افزایش همسانی سنی زوجین همراه است. در حالی که تحقیق بلادی موسوی (۱۳۸۳) برخلاف نتایج تحقیق حاضر نشان داد که به‌طور معمول زنان با افزایش سطح تحصیلات به‌ویژه در سطوح عالی تمایل دارند با مردانی ازدواج نمایند که از نظر تحصیلی در سطح بالاتر از خود باشند. از طرف دیگر مردان هم معمولاً به دلیل سرپرستی خانوار یا به دلیل برخی از مسائل اجتماعی تمایل دارند با زنانی ازدواج نمایند. این تمایل در گذشته مشکلی را به وجود نیاورده بود؛ زیرا امکان آموزش و ادامه‌ی تحصیلات برای مردان بیشتر فراهم بود و

تعداد مردان تحصیل کرده بیشتر از زنان بود. اما در سال‌های اخیر با پیشی گرفتن تعداد دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر امکان ادامه‌ی این روند وجود ندارد و زنان در صورتی که بخواهند با مردانی ازدواج نمایند که از نظر تحصیلی در سطح بالاتر از خود باشند، دچار مضیقه‌ی ازدواج خواهند شد، چنانچه این دختران بخواهند با مردانی ازدواج نمایند که علاوه بر تحصیل از نظر سنی نیز بالاتر باشند، این مسأله تشدید خواهد شد.

از دیگر نتایج این تحقیق، بررسی رابطه درآمد و همسانی سنی است بدین صورت که با افزایش درآمد، همسانی سنی کاهش خواهد یافت همانطور که نتایج تحقیق محمودیان (۱۳۸۹) نشان داد با افزایش سن ازدواج مردان معمولاً موقعیت اقتصادی و اجتماعی افراد نیز افزایش می‌یابد، پس به احتمال، اغلب این مردان از موقعیت اقتصادی و درآمدی بهتری نسبت به مردان جوان‌تر و در نتیجه از توانایی بیشتری در جلب و جذب زنان جوان‌تر از خود برای ازدواج برخوردارند؛ اما در تحقیق حاضر به لحاظ آماری رابطه معناداری را نشان نداد. اما رابطه بین درآمد و همسان‌همسری تحصیلی نشان داد که با افزایش درآمد، همسانی تحصیلی افزایش خواهد یافت.

از دیگر نتایج این تحقیق بررسی رابطه بین ازدواج خویشاوندی و همسانی سنی زوجین است که نشان داد تفاوت سنی در بین زوجین غیرخویشاوند بیش از زوجین خویشاوند است که با نتایج پژوهش ماندنی (۱۳۹۰)؛ عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵)؛ عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۴)؛ حسین و بیتلز (۱۹۹۹) هم‌خوانی ندارد؛ تحقیقاتشان نشان داد، با افزایش سن ازدواج زنان و مردان، فاصله سنی زوجین کاهش خواهد یافت و هر چه سن کم‌تر باشد احتمال ازدواج با یکی از خویشاوندان چه در مردان و چه در زنان بیشتر است و با افزایش سن انتظار می‌رود که میزان ازدواج با خویشاوندان کاهش یابد. که چنین پدیده‌ای می‌تواند نشان دهنده تغییر بیشتر الگوهای رفتاری افرادی باشد که به احتمال بیشتری تحت تأثیر مستقیم جریان مدرنیزاسیون قرار گرفته‌اند. از این رو انطباق بیشتر افراد برخوردار از زمینه شهری، سطوح تحصیلی و سن ازدواج بالا، مشاغل عالی‌تر و سایر ویژگی‌های به اصطلاح مدرن با الگوی خانوادگی و ازدواج غیرسنتی و تمایل به ازدواج‌های همسان قابل انتظار می‌باشد. به عنوان نمونه، برخورداری از سطوح تحصیلی بالاتر با به تأخیر انداختن نقش‌های دوره بزرگسالی، از جمله ازدواج می‌تواند به افزایش سن ازدواج و فراهم‌آوردن امکان ازدواج با فردی غیر خویشاوند از طریق گسترش دایره همسرگزینی منجر گردد. اما از لحاظ تحصیلی این همخوانی را داراست. اما بررسی رابطه بین نسبت خویشاوندی زوجین با همسانی تحصیلی نشان داد که کم‌ترین تفاوت تحصیلی در بین زوجین غیرخویشاوند است که همسو با تحقیقات ماندنی است اما این رابطه در پژوهش حاضر رابطه معنی‌داری را نشان نداد.

علاوه بر این، نتایج تحقیق حاضر حاکی از آن است، در ناهمسان‌همسری سنی و تحصیلی، نقش خود فرد نسبت به دیگر والدین و سایر بزرگترها در انتخاب همسر بیشتر بوده است و بیشترین همسانی را زمانی که خود فرد در این جریان دخالت داشته باشد مشاهده می‌کنیم که با نتایج تحقیق محمودیان (۱۳۸۵) و ایمان و اسکافی (۱۳۸۰) هم‌خوانی دارد؛ یافته‌هایشان نشان داد که تأثیر کم‌رنگ اقتدار والدین، تقدیرگرایی و سنت‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های والدین نسبت به ازدواج فرزندان به این علت که آزادی عمل جوانان در این امر نسبت به قبل بیشتر گشته است و گزینش همسر برای جوانان، معمولاً بعد از انتخاب خود فرد، با نظر والدین تأیید یا رد می‌گردد. والدین هم نظرشان بر این بوده است که برای جلوگیری از طلاق و مشاجرات شدید و نابسامانی خانوادگی باید انتخاب همسر با نظر خود فرد باشد و جوانان باید در ارتباط با این موضوع آزادتر از قبل باشند. و ازدواج‌ها نسبت به قبل کم‌تر تحصیلی است و بیشتر با نظر خود فرد صورت می‌گیرد. به خصوص که دختران با توجه به افزایش امکانات تحصیلات، نسبت به قبل دیرتر دست به ازدواج می‌زنند و معمولاً در هر دوره‌ای انتخاب همسر در کل به سوی انتخاب همسران همسان جهت‌گیری می‌شده است و تا به حال ادامه یافته است، اگرچه استثنائاتی هم بوده است.

در مجموع نتایج مطالعه حاضر، حکایت از تغییر در الگوی همسان‌همسری سنی و تحصیلی در یزد داشت. دگرگونی در ترکیب فرصت‌های آموزشی فراروی بازار ازدواج و توام با آن تغییر در تمایلات و گرایش‌های فردی نسبت به ویژگی‌های تحصیلی و مطلوب در زمینه‌ی انتخاب همسر و نهایتاً تغییرات نگرشی والدین و خانواده که در جامعه‌ای نظیر ایران همواره نقش مهم و بارزی را در شکل‌دادن به فزاینده انتخاب همسر جوانان ایفا نموده‌اند، می‌تواند تبیین‌کننده این تغییرات باشد. تحقیقات بیشتری ضروری است تا منشأ دقیق این تغییرات و بلکه سهم نسبی عوامل جمعیتی و اقتصادی و اجتماعی در آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. بررسی نتایج و پیامدهای بالقوه‌ی تغییر در الگوی همسان‌همسری زوجین بر مراحل بعدی زندگی خانوادگی آنان، نظیر روابط زناشویی، ثبات و استحکام وصلت‌های نکاحی، نقش و موقعیت مردان در حیطه ازدواج و یا احساس فاصله‌ی اجتماعی میان همسران موضوعی است که مطالعات جداگانه‌ای را می‌طلبد.

به نظر می‌رسد که در انجام مطالعه‌ی صورت گرفته، جامعیت و تمامیت مد نظر قرار نگرفته، لذا پرداختن به مطالعاتی که عوامل بیشتری را با جامعیت مدنظر داشته باشند، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، انجام چنین تحقیقاتی مستلزم توجه به عامل زمانی است. توضیح اینکه با گذشت زمان و با تغییراتی که در شهر یزد صورت خواهد گرفت، ضروری به نظر می‌رسد که مطالعات طولی برای مطالعه روند تغییرات ابعاد همسان‌همسری و رصدکردن این تغییرات انجام گیرد.

علاوه بر این، یکی دیگر از مشکلات فرا روی تحقیق حاضر این بود که نمونه‌ی مورد مطالعه، تنها از شهر یزد انتخاب شده بود. شهر یزد یکی از شهرهای مذهبی و سنتی ایران است که به لحاظ تنوعات قومی و دینی و حتی در بسیاری از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به ویژه از نظر ارزش‌ها و گرایش‌های فرهنگی، مرتبط با خانواده محیطی نسبتاً یکدست و همگون به شمار می‌رود. از این رو امکان مقایسه نگرش‌ها بر حسب بسیاری از تفاوت‌های قومی، زبانی، محلی و فرهنگی دیگر در این تحقیق وجود نداشت.

فهرست منابع

۱. ایمان محمدتقی، اسکافی مریم، (۱۳۸۵)، عوامل مؤثر بر نگرش افراد متأهل نسبت به همسان همسری (مطالعه موردی شهر شیراز)، فصلنامه جمعیت، شماره ۳۷-۳۸، صص ۲۴-۴۸.
۲. جی. گود ویلیام، (۱۳۵۲)، خانواده و جامعه، مترجم ویدا ناصحی (بهنام)، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۳. زارع، بیژن، (۱۳۸۷)، جمعیت‌شناسی اجتماعی و اقتصادی، سمت، تهران.
۴. عباسی شوازی، محمد جلال، صادقی رسول، (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، پژوهش زنان، دوره ۳، ش ۱، صص ۷-۳۶.
۵. عباسی شوازی، ترابی فاطمه، (۱۳۸۵)، سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۲، صص ۶۱-۸۸.
۶. عسکری ندوشن عباس، ترابی فاطمه، (۱۳۹۰)، سطح، روند و الگوی همسان همسری تحصیلی در ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران؛ (۲) ۱: ۶۱-۶۱، صص ۱-۲۶.
۷. کاظمی پور شهلا، (۱۳۸۳)، تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۲۴.
۸. کوئن بروس، (۱۳۷۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر توتیا، تهران.
۹. ماندنی رقیه، (۱۳۹۰)، مطالعه بین نسلی تأثیر ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی والدین بر ازدواج خویشاوندی فرزندان در شهر یزد، کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد.
۱۰. مجدالدین اکبر، (۱۳۸۶)، بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان، شناخت، شماره ۵۳، ۳۷۵-۳۸۶.
۱۱. محمدتقی ایمان، اسکافی مریم، (۱۳۸۰)، عوامل مؤثر بر نگرش افراد متأهل نسبت به همسان همسری (مطالعه موردی شهر شیراز)، فصلنامه جمعیت، شماره ۳۷-۳۸، صص ۲۴-۴۸.

۱۲. محمودیان حسین، (۱۳۸۳)، سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴.
۱۳. محمودیان حسین، (۱۳۸۵)، بررسی میزان و عوامل موثر بر تفاوت سنی زوجین، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۱.
۱۴. محمودیان حسین، راهرو زرگر فیروز، (۱۳۸۹)، عوامل اجتماعی و جمعیتی موثر بر فاصله سنی زوجین، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۱۳، شماره ۵۰، ۱۵۴-۱۸۴.
15. Atkinson M. P., & B. L. Glass. (1985). Marital age heterogamy and homogamy, *Journal of Marriage and the Family*, 47(3), 685- 691.
16. Cohen, Philip N. (2011). Homogamy Unmodified, *Journal of Family Theory & Review*, 3: 47-51.
17. Esteve, A. & Clara, C. & Anna, C. (2009). Long term trends in marital age homogamy patterns: Spain, 1922-2006. *Population-E*, 64 (1), 173-202.
18. Good, W. J. (1963). *World revolution and family patterns*, New York, Free Press.
19. Han, H., (2010). Trends in educational assortative mating in China from 1970 to 2000. *Demographic Research*, 22, 733-770.
20. Hanaki, N. & Satomi, K. (2010). Marriage relationships among households in the mid 19th century Tama, Japan Socioeconomic homogamy, geographical endogamy and kinship networks. *History of the Family*, 15, 333-347.
21. Hancock, R., & Stuchbury, R. & Tomassini, C. (2003). Changes in the distribution of marital age differences in England and Wales, 1963 to 1998, *Population Trends*, 114.
22. Hossein, R. and Bittles, R. (1999). Consanguineous marriage and differentials in the age at marriage, contraceptive use and fertility in Pakistan. *Journal of Biosocial Science*, 31, 121-138.
23. Kalmijn, M. (1998). Inter-marriage and homogamy: causes, patterns, trends. *Annual Review of Sociology* 24: 395-421.
24. Maas, I. & Marco, H. & Van Leeuwen, J. (2011). Economic development and parental status homogamy: A study of 19th century France, *History of the Family*, 16, 371-386.
25. Mare, R. D. (1991). Five decades of assortative mating, *American Sociological Review*, 56(1), 15-32.
26. Rashad, H. and Osman, M. (2003). Nuptiality in Arab countries: change and implications, *Cairo Papers in Social sciences*, 24 (1.2): 20-50.
27. Smits, J, (2003). Social closure among the higher educated: trends in educational homogamy in 55 countries, *Social Science Research*, 32(2): 251-277.
28. Smits, J. & Ultee, J. & Lammers. W. (2000). More or less educational homogamy? A test of different versions of modernization theory using cross-temporal evidence from 60 countries. *American Sociological Review*, 65(5): 781-788.